



## بیانات در دیدار مسئولان نظام - 2 / تیر / 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ( ۱ )

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين  
الأطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الأرضين.  
اللهم سدد سنتنا بالصواب و الحكمة

یکی از مضامین تکرارشونده‌ی در ادعیه‌ی ماه مبارک رمضان توجه دادن انسانها به عوالم بعد از حیات دنیوی است ؛ توجه دادن به عالم مرگ، عالم قبر، عالم قیامت، گرفتاری‌های انسان در دوران مواجهه‌ی با حساب و کتاب و سؤال الهی ؛ این یکی از موضوعات مطرح در ادعیه‌ی ماه مبارک رمضان است. برای ما که بر مسندهای مسئولیت تکیه زدیم، توجه به این معنا بسیار مهم است ؛ عامل کنترل‌کننده و مراقب برای انسان از جمله عبارت است از توجه به همین عوالم. اینکه بدانیم «لَا يَعْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ» ؛ ( ۲ ) یک حرکت کوچک، یک سکون کوچک، یک اقدام کوچک، یک حرف کوچک از دید محاسبه‌کننده‌ی دوران بعد از مرگ بیرون نیست واز ما سؤال خواهد شد ؛ این خیلی تأثیر میگذارد در رفتار ما، در گفتار ما، در حرکات ما.

در دعای شریف ابی حمزه [میخوانیم]: اِرْحَمْنِي صَرِيحًا عَلَي الْفِرَاشِ تَقْتُبُنِي اَيْدِي اِحْبَتِي ؛ ( ۳ ) این حالتی که برای همه پیش می‌آید و شاید خیلی‌ها این حالت احتضار و لحظات نزدیکی مرگ را در دیگران دیده‌اند ؛ من و شما در آن لحظات از خودمان اختیاری نداریم ؛ هیچ‌کس در آنجا به ما نزدیک‌تر از خدا نیست. وَ نَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ؛ ( ۴ ) هیچ‌کس نمیتواند ما را در آن حالت، از آن ورطه‌ای که در مقابل ما است نجات بدهد، مگر عمل صالح و فضل الهی. عرض میکنیم در این دعا که «اللَّهُمَّ اِرْحَمْنِي» ؛ در آنجا ما را رحم کن. وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَي الْمُعْتَسِلِ يُقْتَبُنِي صَالِحٌ جِيْرَتِي ؛ در هنگامی که بعد از مرگ ما را غسل میدهند، خدای متعال در آن حالت، رحمت خود را، فضل خود را شامل حال ما کند و به ما ترحم کند. بی‌اختیار در اختیار دستهای غسل‌دهنده هستیم ؛ این مال یکایک من و شما است ؛ هیچ‌کدامان از این حالت دوری و فراغت نداریم ؛ این برای همه‌ی ما پیش می‌آید. به یاد آن لحظه باشید.

وَ تَحْتَنُّ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْاَقْرَبَاءُ اطْرَافَ جِنَازَتِي ؛ ما را بلند میکنند، سر دوش میگیرند، میبرند به سمت جایگاه همیشگی و ابدی ما. وَ جُدَّ عَلَيَّ مَنَقُولًا قَدْ تَزَلَّتْ بِيكَ وَحِيدًا فِي حَفْرَتِي ؛ ما را سرازیر قبر خواهند کرد. این یادآوری است ؛ از این حالات نبایستی غافل بود ؛ باید جلوی چشم ما باشد. اینکه سفارش میکنند به ما که به قبرستان بروید، به زیارت اموات بروید، یک علت و وجه آن این است. بعضی بدشان می‌آید از اینکه کسی آنها را به یاد مرگ بیندازد ؛ نه، این درمان است، این دارو است ؛ علاج خودخواهی‌های ما، علاج غفلت‌های ما، علاج هوسرانی‌های ما است. در جای دیگری از دعای شریف ابی حمزه [میخوانیم]: اِلٰهِي اِرْحَمْنِي اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَ كَلَّ عَن جَوَابِكِ لِسَانِي وَ طَاشَ عِنْدَ سَوَالِكِ اِيَّايَ لُبِّي ؛ آن وقتی که در مقابل سؤال الهی کم می‌آوریم و درمیمانیم، استدلال ما تمام میشود ؛ مثل اینجا نیست که بتوانیم طرف مقابل را با استفاده‌ی از جهلش، از غفلتش، از عواطفش از واقعیت دور کنیم. آنجا همه چیز آشکار است برای آن کسی که از ما سؤال میکند. به یاد آن لحظه باید بود. در یک فقره‌ی دیگر: اُبْكِ لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عَرِيَانًا - این دعا را در سحرهای ماه رمضان با توجه بخوانید - ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقَلِي عَلَي ظَهْرِي اَنْظُرُ مَرَّةً عَن يَمِينِي وَ اٰخِرِي عَن شِمَالِي اِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي ؛ هرکسی به فکر خودش است ؛ هیچ‌کس از من آنجا دستگیری



نمی‌کند.

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ، وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ؛ مؤمنین، متقین، آن کسانی که مراقب خودشان بودند و از جاده‌ی حق و انصاف و ادای تکلیف الهی خارج نشدند، مصداق این جمله‌اند: وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ؛ چهره‌های باز، خندان، درخشان، بعضی این جورى‌اند. وَ جُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ، ترهقها قتره. آیه‌ی قرآن تا اینجا است؛ (۵) در دعا این کلمه هم اضافه شده: وَ ذِلَّةٌ. البته فقط این مضمون نیست؛ دعاهاى ماه رمضان مثل همه‌ی دعاهاى دیگر، ما را میکشاند به سمت آن سرچشمه‌ی لطیف مطبوع گوارای رحمت الهی.

این ماه، ماه خشوع است، ماه استغفار است، ماه تقوا است، ماه بازگشت به خدا است، ماه خودسازی است، ماه اخلاق است. در خطبه‌ی جمعه‌ی آخر ماه شعبان رسول مکرّم، فقراتی هست که نشان‌دهنده‌ی این است که این ماه فقط ماه عبادت نیست، ماه اخلاق هم هست؛ فراگیری فضایل اخلاقی، [او] به کار گرفتن فضایل اخلاقی. اینها چیزهایی است که ما در این ماه بایستی توجه کنیم.

در این جلسه‌ی بسیار حسّاس و مهم، بنده سه موضوع را در نظر گرفته‌ام که عرض بکنم. یکی مسئله‌ی اقتصاد است که در بیانات رئیس جمهور محترممان اشاره‌ای به آن شد و بیانات خوبی را بیان کردند و آمارهای خوبی را دادند؛ بنده یک نگاهی دارم در این زمینه که عرض میکنم. یکی مسئله‌ی هسته‌ای است که امروز محور بسیاری از تلاشهای ما، چه تلاشهای خارجی، چه حتی تلاشهای داخلی ما هم این مسئله شده است، نظراتی را لازم است که عرض بکنم و بیان کنم؛ اگر رسیدیم یک اشاره‌ای هم به مسائل منطقه عرض خواهم کرد.

در مورد مسئله‌ی اقتصاد من این جور مطلب را عرض میکنم که ماه رمضان ماه تقوا است؛ تقوا چیست؟ تقوا عبارت است از آن حالت مراقبت دائمی که موجب میشود انسان به کج‌راهه نرود و خارهای دامن‌گیر، دامن او را نگیرد. تقوا در واقع یک جوشنی است، یک زرهی است بر تن انسان با تقوا که او را از آسیب تیرهای زهرآگین و ضربه‌های مهلک معنوی محفوظ و مصون میدارد؛ البته فقط هم مسائل معنوی نیست. وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ (۶) در امور دنیوی هم تقوا تأثیرات بسیار مهمی دارد، این تقوای شخصی است. عین همین مسئله در مورد یک جامعه و یک کشور قابل طرح است. تقوای یک کشور چیست؟ تقوای یک جامعه چیست؟ یک جامعه، بخصوص اگر مثل جامعه‌ی نظام جمهوری اسلامی آرمانهای والا و بلندی داشته باشد، مورد تهاجم است؛ مورد هجوم تیرهای زهرآگین است؛ این هم تقوا لازم دارد. تقوای جامعه چیست؟ در بخشهای مختلف تقوای اجتماعی را میتوان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی. اگر در مورد اقتصاد میخواهیم در مقابل تکانه‌های ناشی از حوادث جهانی یا در مقابل تیرهای زهرآگین سیاستهای معارض جهانی آسیب نبینیم، ناچاریم به اقتصاد مقاومتی رو کنیم. اقتصاد مقاومتی عامل استحکام است در مقابل آن کسانی و آن قدرتهایی که از همه‌ی ظرفیّت اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و امنیتی خودشان دارند استفاده میکنند برای اینکه به این ملت و این کشور و این نظام ضربه وارد کنند. یکی از راههایی که فعلاً پیدا کردند عبارت است از رخنه از راه اقتصاد. این هشدار را ما سالها است مطرح کردیم و گفتیم؛ مسئولین هم هر کدام به فراخور توانایی‌های خودشان تلاشهای خوبی کردند لکن ما باید با همه‌ی توان، با همه‌ی ظرفیّت موضوع اقتصاد مقاومتی را در داخل دنبال کنیم؛ این میشود تقوای اجتماعی ما در زمینه‌ی مسئله‌ی اقتصادی.



این الگو البته مخصوص ما نیست؛ الگوی اقتصاد مقاومتی را بعضی از کشورهای دیگر هم برای خودشان پیش‌بینی کردند، انتخاب کردند، اثرش را هم دیدند. نقطه‌ی کانونی اقتصاد مقاومتی عبارت است از درون‌زایی در کنار برون‌گرایی. درون‌زایی به معنای انزوای طلبی تعبیر نشود؛ درون‌زایی با نگاه به بیرون و با گرایش به بیرون جامعه اما تکیه به توانایی درونی و به ظرفیت درونی که حالا مقداری عرض خواهیم کرد؛ قبلاً هم مطالب زیادی در این زمینه گفته‌ایم. (۷)

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که تنظیم شده است و ابلاغ شده است، یک امر دفاعی و من‌درآوردی و متکی به نظر شخصی نیست؛ این محصول یک عقل جمعی است؛ محصول مشورت‌های طولانی است. بعد از آنکه اقتصاد مقاومتی با همین خصوصیات ابلاغ شد و گفته شد و در رسانه‌ها مطرح شد و دوستان و همکاران در دولت محترم فعالیت‌هایی را در این زمینه شروع کردند و تکرار کردند، از سوی بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی تأیید شد؛ بر آن تکیه کردند و این تعبیر «اقتصاد مقاومتی» وارد فرهنگ رایج اقتصادی کشور شد و در ادبیات اقتصادی کشور جایی برای خودش باز کرده است. این نشان‌دهنده‌ی صحت و استحکام این راه است.

اقتصاد مقاومتی در مقابل مدل قدیمی دیکته‌شده‌ی از سوی قدرتها برای کشورهای به اصطلاح در حال توسعه یا به اصطلاح جهان سوم است. یک مدلی را آنها - که من حالا شرح آن مدل را نمی‌خواهم بدهم - دیکته کردند که اگر کشورهای جهان سوم می‌خواهند به رشد اقتصادی، رونق اقتصادی و به سطح اقتصاد جهانی برسند، باید این مدل را دنبال کنند که عمده‌ی تکیه‌ی آن، نگاه به بیرون با تفصیل خودش است. این اقتصاد مقاومتی نقطه‌ی مقابل آن است؛ این یک الگوی کاملاً مغایر با آن چیزی است که در آن مدل قدیمی تکیه میشد و تکرار میشد؛ هنوز هم گوشه و کنار کسانی از آن ذکر میکنند و یاد میکنند. [در اقتصاد مقاومتی] تکیه به ظرفیت‌های داخلی است. ممکن است کسانی تصور کنند که این الگو الگوی مطلوبی است اما در امکان آن تردید کنند. من قاطعاً عرض میکنم این الگو یک الگوی ممکن در کشور ما است؛ الگوی اقتصاد مقاومتی کاملاً امکان‌پذیر در شرایط کنونی کشور است.

ظرفیت‌هایی که ما برای این کار داریم، ظرفیت‌های استفاده نشده‌ی فراوان [از جمله]؛ یکی سرمایه‌ی انسانی است؛ یعنی جوان تحصیل‌کرده‌ی دارای تخصص و دارای اعتماد به نفس در کشور ما فراوان است و این از برکات انقلاب اسلامی است. البته اگر سیاست‌های غلط موجب نشود که جامعه‌ی ما به سمت پیری پیش برود. فعلاً این‌جور است؛ فعلاً یک رقم قابل توجه بالایی از نیروی کار کشور بین بیست سال و چهل سالند؛ با تحصیلات خوب، با آمادگی‌های خوب ذهنی و فکری، با روحیه‌ی بالا، با اعتماد به نفس. ما امروز ده میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی داریم، بیش از چهار میلیون دانشجوی در حال تحصیل داریم که این، حدود ۲۵ برابر اول انقلاب است. از اول انقلاب تا حالا، جمعیت کشور دو برابر شده و جمعیت دانشجوی ۲۵ برابر شده است؛ این جزو افتخارات انقلاب اسلامی است؛ این سرمایه‌ی انسانی است؛ این یک فرصت بسیار بزرگ است.

ظرفیت دیگر، جایگاه اقتصادی کشور ما است. طبق آمارهای رسمی جهانی، رتبه‌ی بیستم در اقتصاد دنیا متعلق به جمهوری اسلامی است؛ ما در رتبه‌ی بیستم قرار داریم و ظرفیت لازم برای رسیدن به رتبه‌ی دوازدهم را هم داریم؛ چون هنوز ظرفیت‌های استفاده نشده در کشور زیاد است؛ منابع طبیعی داریم، نفت داریم، در نفت و گاز، رتبه‌ی اول جهانی؛ مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای جهان بیشتر است؛ معادن فراوان دیگری هم داریم.



ظرفیت دیگر، موقعیت جغرافیایی ممتاز کشور است؛ در جغرافیای منطقه و جهان، ما نقطه‌ی اتصال شمال به جنوب و شرق به غربیم که این برای مسئله‌ی ترانزیت، برای حمل‌ونقل انرژی و کالا و غیره دارای اهمیت بسیار فوق‌العاده‌ای است.

ظرفیت دیگر، همسایگی با پانزده کشور است با ۳۷۰ میلیون جمعیت؛ یعنی یک بازار دم دست، بدون نیاز به طی راه‌های طولانی.

ظرفیت دیگر، بازار داخلی هفتاد میلیونی است که اگر ما همین بازار داخلی را منعطف بکنیم به تولید ملی و تولید داخلی، وضع تولید دگرگون خواهد شد.

ظرفیت دیگر، وجود زیرساخت‌های اساسی است در انرژی، در حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای و هوایی، در ارتباطات، در مراکز بازرگانی، در نیروگاه‌ها، در سد؛ اینها زیرساخت‌هایی است که در طول این سالها با همت دولتها و همت مردم و کمک مردم به وجود آمده است و امروز در اختیار ما است.

علاوه‌ی بر همه‌ی اینها، تجربه‌های مدیریتی متراکم [است] که خود این تجربه‌ها کمک کرده است به اینکه ما در سالهای اخیر، رشد صادرات غیر نفتی داشته باشیم؛ همین‌طور که رئیس‌جمهور محترم آمار سال ۹۳ را دادند، و سالهای قبل [از آن] هم رشد صادرات غیر نفتی در کشور محسوس بوده است که این یک الگو است. این ظرفیتها در کشور وجود دارد و البته اینها بخشی از ظرفیتها است. صاحب‌نظرانی که با ما می‌نشینند و صحبت میکنند و گاهی گزارش مینویسند برای من، یک فهرست طولانی از ظرفیتهای موجودی که برای اقتصاد کشور میتواند مفید باشد ارائه میکنند و همه‌ی اینها درست است؛ از این ظرفیتها بایستی استفاده کرد.

مسئله‌ی کنونی کشور ما این نیست که ما طرح نداریم، حرف درست نداریم؛ مسئله‌ی ما این است که حرف درست و طرح درست را آن‌چنان که شایسته است دنبال نمیکنیم؛ این اساس مسئله است. در محیطهای نخبگانی هم این معنا تکرار میشود که مشکل جمهوری اسلامی، مشکل نداشتن حرف درست نیست؛ حرف درست، زیاد زده میشود؛ مشکل این است که ما این حرفهای درست را بایستی در عمل آن‌چنان دنبال کنیم که به نتایج آن دسترسی پیدا کنیم؛ نتایج آن را بالعیان و بالمشاهده ببینیم.

خب، چالشهایی وجود دارد؛ این چالشها اصطکاک به وجود می‌آورد؛ اصطکاک، فرسایش و ساییدگی به وجود می‌آورد، مشکل ایجاد میکند. این چالشها را بایستی علاج کرد. یکی از چالشها چالشهای درونی خود ما است: ساده و سطحی نگریستن به مسئله؛ به برخی از کارهایی که میکنیم، دل خوش کنیم و عمق مسئله را درنیابیم.

مباحث لفظی و محفلی و روشنفکری کار را پیش نمیرد؛ حرکت و اقدام لازم است. سهل‌انگاری در عمل، چالش بزرگ ما است. گاهی نتیجه‌گیری‌ها و استنتاجها کوتاه‌مدت نیست، طولانی است و این بعضی‌ها را سرخورده میکند. این یکی از چالشها است. کارهای بزرگ ممکن است گاهی در طول یک نسل به دست بیاید؛ باید دنبال کرد، باید حرکت کرد. خیلی از کارها هست که ما اگر ده سال پیش، پانزده سال پیش این کارها را شروع میکردیم، امروز به



نتایج رسیده بودیم. خیلی از کارها هست که از ده سال پیش، پانزده سال پیش شروع کردیم و امروز نتایجش را داریم می‌بینیم. آن روزی که در دانشگاه‌های گوناگون راجع به نهضت علمی در کشور حرفهایی زده شد، با جمعهای مختلف گفته شد، کسی تصوّر نمیکرد که این حرکت علمی که در این ده پانزده سال به وجود آمده است به وجود بیاید اما به وجود آمد؛ اساتید ما، دانشمندان ما، دانشگاه‌های ما، جوانان با استعداد ما همّت کردند. ما امروز در مقایسه‌ی با دوازده سیزده سال قبل، از لحاظ علمی حرکت مهمّی انجام دادیم و پیشرفت چشمگیر و بعضاً خیره‌کننده‌ای در بعضی از زمینه‌ها داریم. کار را امروز شروع کنیم، پانزده سال دیگر، بیست سال دیگر نتیجه‌ی آن را بگیریم.

یکی از چالشهای ما راه‌های موازی و آسان ولی مهلك [است]؛ این یکی از چالشهای ما است. بنده فراموش نمیکنم زمان ریاست جمهوری خودم - صحبت ۲۵ سال [قبل] است - برای واردات یک کالای مورد نیاز جامعه، که ما با زحمت زیاد آن را از اروپایی‌ها می‌گرفتیم، آفریقایی‌ها همان کالا را داشتند، خوبش را هم داشتند، [اما] دوستان دست‌اندرکار آماده نبودند. توصیه شد، تأکید شد، در جلسه که نشستیم، تأیید هم کردند، تصدیق هم کردند، منتها سخت بود؛ کار با اروپا آسان‌تر بود. راه موازی آسان اما در عین حال مضر، که انسان را در تنگنا ننگه میدارد، دوستان انسان را ضعیف میکند، دشمنان انسان را قوی میکند و زمام اختیار امری را در داخل کشور به دست کسانی که در دل با ما دشمنند قرار میدهد.

یکی از چالشها این است که کسی تصوّر کند که ما اگر از مبانی اعتقادی خود، مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی دست برداریم، راه‌ها باز خواهد شد و دروازه‌های بسته گشوده خواهد شد که این خطای بسیار بزرگ و اساسی است. البته برادران ما در دولت خدمتگزار با اعتقاد عمل میکنند؛ واقعاً معتقد به انقلاب، معتقد به مبانی انقلاب، معتقد به اصول انقلابند؛ از اینها ما گله‌ای نداریم، لکن در مجموعه‌ی دست‌اندرکاران ما کسانی هستند که تصوّر میکنند اگر از برخی از اصول خود و مبانی خود کوتاه بیاییم، خیلی از درهای بسته به روی ما گشوده خواهد شد؛ درحالی‌که این جور نیست؛ این خطای بزرگی است و ما نتایج این خطا را در برخی از کشورهای دیگر - که نمیخواهم اسم بیاورم - در همین دوره‌ی چندساله‌ی اخیر مشاهده کردیم. راه پیشرفت، ایستادگی است؛ پافشاری بر مبانی است.

یکی از چالشها هم این است که کسی تصوّر کند که مردم تحمل نمیکنند؛ نه، مردم مشکلات را تحمل کرده‌اند. اگر حقیقتاً برای مردم بدرستی تبیین بشود، با صداقت لازم حقایق امور برای مردم بیان بشود، مردم ما مردم وفاداری‌اند؛ می‌ایستند، مقاومت میکنند.

یکی از چالشها، تردید در توانایی‌های درونی است؛ [اینکه] به جوان دانشمند خودمان اعتماد نکنیم، به مجموعه‌های مردمی و غیر دولتی در امور اقتصادی اعتماد نکنیم، یکی از چالشها است. بایستی اعتماد کرد، بایستی مردم را وارد جریان عظیم اقتصادی کشور کرد.

بالاخره آنچه ما لازم است در زمینه‌ی مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی انجام بدهیم، یکی عزم راسخ است؛ بایستی با عزم جدی دنبال این باشیم که اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی کلمه در داخل تحقق ببخشیم؛ [همچنین] پرهیز از سهل‌انگاری، پرهیز از راحت‌طلبی و تکیه‌ی بر مدیریت‌های جهادی؛ مدیریت جهادی که بنده سال گذشته مطرح کردم (۸) و تأکید هم کردم که این مربوط به امسال نیست، مربوط به همیشه است؛ ما احتیاج داریم به مدیریت جهادی. در سالهای اول انقلاب، در دوران جنگ و در طول این سی و چند سال، هر جا به مدیریت جهادی





تکیه کردیم، موفق شدیم. مدیریت جهادی ممکن است یک وقتی پرت هم داشته باشد اما پیشرفت خواهد داشت و کار را پیش خواهد برد. تکیه‌ی به قدرت الهی، توکل به خدای متعال، کار را با تدبیر و عقلانیت اما با عزم راسخ، بدون تردید و بدون ترس از جوانب پیش بردن؛ این مدیریت جهادی است. البته ترویج دائمی فرهنگ متناسب با اقتصاد مقاومتی هم لازم است؛ همه، هم صداوسیما، هم مسئولین مطبوعات و رسانه‌ها، هم مسئولین دولتی، مسئولین قوه‌ی مقننه، ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور و هر کسی که منبری دارد و میتواند با مردم حرف بزند، فرهنگ متناسب با اقتصاد مقاومتی، از جمله صرفه‌جویی را، از جمله مصرف تولیدات داخلی را باید ترویج کند. البته در مورد صرفه‌جویی و همچنین در مورد مصرف تولیدات داخلی، خطاب عمده به مسئولین کشور است، چون یکی از مهم‌ترین مصرف‌کنندگان کشور، خود دولت است؛ دولت اصرار داشته باشد و خود را موظف و مقید بداند که از تولیدات داخلی استفاده کند؛ حتی با مقداری اغماض؛ عیبی ندارد. گاهی میگویند فلان چیز، کیفیت خارجی را ندارد؛ اشکال ندارد؛ اگر میخواهیم کیفیت پیدا کند، باید کمک کنیم. [اگر کمک بکنیم، کیفیتش هم بالا خواهد رفت و الا روبه‌روز تنزل پیدا خواهد کرد. مقابله‌ی جدی با واردات بی‌منطق، یکی از کارهای لازم است؛ مقابله‌ی جدی با قاچاق، یکی از کارهای لازم است؛ پرداختن به کارگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط - که من امسال، اول سال هم روی این تکیه کردم (۹) یکی از کارهای بسیار لازم است؛ بازنگری در سیاستهای پولی و فعالیتهای نظام بانکی کشور، که به این هم من اول سال اشاره کردم و صاحب‌نظران و دلسوزان، در این زمینه حرفهای مهمی دارند که باید این حرفها شنیده شود و به آنها توجه بشود. اینها کارهایی است که بایستی انجام بدهیم.

البته شرط اصلی تحقق اینها هم همین همدلی و هم‌زبانی و همین انسجامی است که رئیس‌جمهور محترم بیان کردند؛ باید دولت را کمک کرد، باید مسئولین را کمک کرد، [چون] اینها وسط میدانند. از تعارضهای زائد و حاشیه‌سازی‌های زائد باید پرهیز بشود؛ حاشیه‌سازی از هرطرفی غیر مقبول و نامطلوب است. همه کمک کنند و این حرکت عظیم ان‌شاءالله به نتیجه برسد. این عرض ما در زمینه‌ی مسائل اقتصاد. اعتقاد بنده این است که ما میتوانیم در زمینه‌ی اقتصاد کارهای بزرگی را انجام بدهیم و امیدوار باشیم که ان‌شاءالله از این گذرگاه دشوار عبور خواهیم کرد.

در مسئله‌ی هسته‌ای، سه نکته را ابتدائاً و مقدمتاً عرض میکنم، بعد هم مطالبی را که در این زمینه هست، به عرض میرسانم.

نکته‌ی اول اینکه آنچه بنده اینجا در این جلسه یا در جلسات عمومی میگویم، عیناً همان حرفهایی است که در جلسات خصوصی به مسئولین، به رئیس‌جمهور محترم و به دیگران میگویم. این خط تبلیغی‌ای که دیدیم و می‌بینیم دنبال میکنند که بعضی از خط قرمزهایی که رسماً اعلام میشود، در جلسات خصوصی از آنها صرف‌نظر میشود، حرف خلاف واقع و دروغی است. آنچه ما اینجا به شما میگوییم یا در جلسات عمومی میگوییم، عیناً همان حرفهایی است که به دوستان، به مسئولین، به هیئت مذاکره‌کننده، همانها را بیان میکنیم؛ حرفها یکی است.

نکته‌ی دوم، بنده هیئت مذاکره‌کننده را - همین دوستانی که این مدت این زحمات را بر دوش گرفته‌اند - هم امین میدانم، هم غیور میدانم، هم شجاع میدانم، هم متدین میدانم؛ این را همه بدانند. اکثر حضاری که اینجا تشریف دارید، از محتوای مذاکرات خبر ندارید؛ اگر شما هم از محتوای مذاکرات و جزئیات مذاکرات و آنچه در مجالس میگذرد مطلع بودید، به بخشی از آنچه بنده گفتم، حتماً اذعان میکردید. من البته علاوه‌ی بر اینها، بعضی از این دوستان را از نزدیک می‌شناسم، بعضی را از دور با سوابقشان می‌شناسم؛ اینها مردمانی هستند متدین و امین؛



اینها امینند؛ قصدشان این است که کار کشور را پیش ببرند، گره را باز کنند و دارند تلاش میکنند برای این کار. انصافاً غیرت ملی هم دارند، شجاعت هم دارند، در مقابل یک تعداد کثیری از کسانی قرار میگیرند - که حالا نمیخواهم تعبیر متناسب واقعی را بکنم، چون گاهی تعبیرهایی هست که واقعاً شایسته‌ی آن تعبیرند اما خوب، مناسب نیست که ما به زبان بیاوریم - و انصافاً در مقابل آنها با شجاعت کامل، با دقت کامل مواضع خودشان را بیان میکنند، دنبال میکنند و تعقیب میکنند.

نکته‌ی سوّم در مورد منتقدین محترم است. بنده با انتقاد مخالف نیستم، عیبی ندارد، انتقاد لازم است و کمک‌کننده است، منتها این را همه توجّه داشته باشند که انتقاد کردن آسان‌تر از عمل کردن است. عیبهای طرف مقابل را در آن عرصه‌ای که قرار دارد، ما راحت می‌بینیم، درحالی که خطرات او، دشواری‌های او، نگرانی‌های او، مشکلات او را انسان نمی‌بیند. مثل این است که شما کنار یک استخری ایستاده‌اید، دارید تماشا میکنید؛ یک نفر هم رفته است روی ارتفاع، از ده‌متری می‌خواهد شیرجه بزند. خوب، شیرجه میزند، شما که اینجا کنار استخر ایستاده‌اید، می‌گویید هان! این پایش خم شد، زانویش خم شد؛ این یک اشکال. بله، این اشکال است اما شما زحمت بکشید از این دایو بروید بالا، سر آن ده‌متری به آب یک نگاهی بکنید، آن وقت قضاوت بکنید! انتقاد کردن آسان است. [البته] این حرف من مانع از انتقاد نشود؛ انتقاد بکنید لکن توجّه داشته باشید که انتقادها با لحاظ این معنا باشد که آن طرف مقابل بعضی از عیوبی را که ما در انتقادمان ذکر میکنیم ممکن است میدانند، [اما] خوب به این نتیجه رسیده‌اند یا ضرورتها آنها را به اینجا کشانده یا به هر دلیل دیگری. البته بنده نمیخواهم بگویم اینها معصومند؛ نه، معصوم نیستند؛ ممکن است انسان یک جاهایی در تشخیص، در عمل خطا هم بکند، اما مهم این است که به امانت اینها و به دیانت اینها و به غیرت اینها و به شجاعت اینها ما اعتقاد داریم. این سه نکته‌ی لازمی که در مقدمه‌ی عرایض عرض کردم.

من یک تاریخچه‌ی کوتاهی از این مذاکرات عرض بکنم. این مذاکراتی که در واقع فراتر از مذاکرات ما با پنج به علاوه‌ی یک است؛ مذاکره‌ی با آمریکایی‌ها است. متقاضی این مذاکرات آمریکایی‌ها بودند. مربوط به زمان دولت دهم هم هست. قبل از آمدن این دولت این مذاکرات شروع شد. آنها درخواست کردند، واسطه‌ای قرار دادند و یکی از محترمین منطقه، آمد اینجا با من ملاقات کرد، گفت که رئیس‌جمهور آمریکا با او تماس گرفته و از او خواهش کرده و گفته است که ما می‌خواهیم مسئله‌ی هسته‌ای را با ایران حل و فصل کنیم و تحریمها را هم می‌خواهیم برداریم. دو نقطه‌ی اساسی در حرف او وجود داشت: یکی اینکه گفت ما ایران را به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای خواهیم شناخت؛ دوّم اینکه گفت ما تحریمها را در ظرف شش‌ماه بتدریج برمی‌داریم. بیایید بنشینید مذاکره کنید، این کار انجام بگیرد. من به آن واسطه‌ی محترم گفتم که ما به آمریکایی‌ها اطمینانی نداریم، به حرف اینها اطمینانی نیست. گفت حالا امتحان کنید؛ گفتیم خیلی خوب، این دفعه هم امتحان میکنیم. مذاکرات این‌جوری شروع شد.

یک نکته‌ای را من عرض بکنم برای توجّه مسئولین، و همه توجّه داشته باشند: در هم‌آوردی‌های جهانی، منطق هم‌آوردی جهانی ایجاب میکند که ما دو میدان را مورد نظر داشته باشیم. یک میدان میدان واقعیت و عمل است؛ یک میدان، میدان واقعیت و عمل است که این میدان میدان اصلی است. در میدان واقعیت و در میدان عمل، مسئولی که دنبال فعالیت است، دارایی‌هایی را در میدان عمل ایجاد میکند، تولید میکند؛ این یک میدان. یک میدان میدان دیپلماسی و سیاست است که دارایی‌ها را در این میدان دیپلماسی و سیاست و مذاکره، تبدیل میکند به امتیاز برای کشور، تبدیل میکند به منفعت ملی. اگر در آن میدان اوّل دست انسان خالی باشد، در میدان دوّم کاری از انسان ساخته نیست؛ باید در میدان اوّل - یعنی میدان عمل، میدان واقعیت، روی زمین - دست‌آورد داشته باشد، دارایی



داشته باشد.

ما آن روزی که وارد این مذاکرات شدیم، دستاورد قابل قبول و مهمی داشتیم؛ احساس کردیم با دست قوی داریم وارد میشویم. دستاورد آن روز ما از جمله این بود که ما توانسته بودیم درحالی که همه‌ی قدرتهای هسته‌ای دنیا امتناع کردند که به ما سوخت بیست درصد را برای مرکز [تحقیقاتی] تهران بدهند - که احتیاج به داروهای هسته‌ای داشتیم - ما خودمان توانستیم در شرایط تحریم، سوخت بیست درصد را تولید کنیم، [بعد] این سوخت بیست درصد را تبدیل کنیم به صفحه‌ی سوخت و از آن استفاده کنیم. طرف مقابل مات شد! داستان مفصلی دارد، شاید خیلی از شماها هم در جریانید؛ طی مذاکرات طولانی، حاضر نشدند به ما [سوخت] بیست درصد را بدهند - یعنی بفروشند - یا اجازه بدهند که آن را کس دیگری به ما بفروشد. ما گفتیم در داخل تولید میکنیم؛ جوانهای ما، همین دانشمندان ما، همین قشر زحمتکش پرامید منکی به نفس، توانستند چشم طرف را خیره کنند؛ [سوخت] بیست درصد را تولید کردند. و شما توجه دارید، من شاید یک بار دیگر هم گفته‌ام، (۱۰) در حرکت غنی‌سازی هسته‌ای بخش مهم و دشوار، حرکت از سه درصد و چهار درصد به بیست درصد است؛ از بیست درصد تا نود درصد یک حرکت خیلی ساده‌ای است. وقتی کسی به بیست درصد رسید، مراحل بعدی بسیار آسان است. بخش دشوار و مهم، این قسمت ۵/۳ درصد تا بیست درصد است. این راه دشوار را جوانهای ما رفتند و [سوخت] بیست درصد را تولید کردند و صفحه‌ی سوخت را تولید کردند؛ این یکی از دستاوردهای ما بود. ما با این روحیه وارد مذاکره شدیم. راهبرد ایستادگی و تاب‌آوری در مقابل فشارها جواب داد. آمریکایی‌ها اذعان کردند که تحریم اثری ندارد، همچنان که اشاره کردند؛ این کاملاً تحلیل درستی است. آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که تحریم، دیگر اثر مطلوب آنها را ندارد. دنبال راه دیگری بودند - وقت دارد تمام میشود؛ من باید تندتند مطالب را عرض بکنم - فهمیدند ما بدون وابستگی میتوانیم به فناوری پیشرفته دست پیدا کنیم؛ ما هم با این منطق، توکل کردیم و وارد مذاکره شدیم.

البته احتیاط را از دست ندادیم. از اوّل نگاه ما به مذاکره‌کنندگان و طرف آمریکایی نگاه شک‌آلود بود. طبق تجربه‌هایی که داشتیم، به اینها اطمینان نداشتیم، [لذا] از اوّل با ملاحظه وارد شدیم. نظرم این بود که اگرچنانچه اینها سر حرف خودشان ایستادند که خب اشکالی ندارد؛ ما حاضر بودیم هزینه هم بدهیم، یعنی ما عقیده نداریم که در یک مذاکره هیچ هزینه‌ای نباید داد، هیچ عقب‌گردی نسبت به بخشی از موضوعات نباید کرد؛ نه، به قدر صحیح و منطقی و عقلایی حاضر به هزینه دادن هم بودیم؛ منتها ما دنبال توافق خوب بودیم. من این را همین‌جا عرض بکنم: ما هم میگوییم توافق خوب، آمریکایی‌ها هم میگویند توافق خوب؛ منتها ما که میگوییم توافق خوب، منظورمان توافق منصفانه و عادلانه است؛ آنها که میگویند توافق خوب، توافق تمامت‌خواهانه است. اندکی در مذاکرات پیش رفته بودیم که زیاده‌خواهی‌های حضرات شروع شد؛ هرروز یک حرفی، یک بهانه‌ای؛ شش ماه تبدیل به یک سال شد، طولانی‌تر شد، مذاکرات شکلهای گوناگونی پیدا کرد، چانه‌زنی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها مذاکرات را طولانی کرد، تهدید کردند، تهدید به تحریم بیشتر، حتی تهدید به بکارگیری نظامی‌گری؛ این تهدیدها را کردند؛ روی میز و زیر میز و این حرفهایی که شنیده‌اید. (۱۱) این رفتار این حضرات تا امروز بوده.

هرکس روند مطالبات آمریکایی‌ها را در این مدت مطالعه کند و کیفیت حرفهای اینها را نگاه کند، به این نتیجه میرسد؛ یکی از دو نکته‌ی اساسی این است: هدف اینها ریشه‌کن کردن و از بین بردن صنعت هسته‌ای در کشور است؛ هدف این است، دنبال این هستند؛ قصدشان این است که ماهیت هسته‌ای کشور را از بین ببرند؛ ولو حالا یک اسمی، یک تابلوی بی‌محتوایی، یک چیز کاریکاتوری‌ای وجود داشته باشد، اما اینها قصد دارند که نگذارند این حرکت





هسته‌ای کشور، صنعت هسته‌ای یک کشور با اهدافی که نظام جمهوری اسلامی دارد تحقق پیدا کند. ما اعلام کردیم تا یک سررسید معیّنی بایست بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای داشته باشیم، این نیاز کشور است؛ بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای نیاز ضروری کشور است؛ این محاسبه‌شده‌ی دستگاه‌های محاسبه‌کننده‌ی کشور است که البته در حاشیه‌ی آن، منافع زیاد و برآوردن نیازهای فراوان دیگر هم وجود دارد؛ اینها می‌خواهند این اتفاق نیفتد. البته در عین اینکه این صنعت را می‌خواهند نابود کنند، فشار را هم می‌خواهند حفظ کنند، قصد برداشتن تحریمها به صورت کامل را هم - همین‌طور که ملاحظه می‌کنید - ندارند، تهدید هم می‌کنند که تحریمهای بیشتری را تحمیل خواهیم کرد. این یک نکته است.

نکته‌ی دوّم این است که طرف مقابل ما، یعنی دولت کنونی و مدیریت کنونی آمریکا، به این توافق احتیاج دارد؛ این هم یک طرف دیگر قضیه است؛ اینها نیاز دارند به این؛ یک پیروزی بزرگی برای آنها محسوب میشود اگر بتوانند به آن مقصود خودشان در اینجا برسند. این در واقع پیروزی بر انقلاب اسلامی است؛ پیروزی بر ملت است که داعیه‌ی استقلال دارد؛ پیروزی بر کشوری است که میتواند الگوی کشورهای دیگر باشد؛ دستگاه مدیریت آمریکا به این [توافق] نیازمند است. همه‌ی بگومگوها و چک‌وچانه‌ها و بدعهدی‌ها و تقلب‌هایی که حضرات می‌کنند، بر محور این دو موضوع می‌چرخد.

ما از اوّل، منطقی وارد شدیم، منطقی حرف زدیم، زیاده‌خواهی نکردیم؛ ما گفتیم طرف، یک تحریم ظالمانه‌ای را تحمیل کرده است، ما می‌خواهیم این تحریم برداشته بشود؛ خیلی خوب، این یک بده‌بستان است، حرفی نداریم که در این زمینه یک چیزی بدهیم، یک چیزی بستانیم تا تحریمها برداشته بشود؛ اما صنعت هسته‌ای متوقف نباید بشود، لطمه نباید بخورد؛ این حرف اوّل است؛ از اوّل این حرف را زدیم و دنبال کردیم تا امروز.

اهمّ خطوط قرمزی هم که وجود داشته اینها است که من عرض می‌کنم. ما یک چیزهایی را به‌عنوان نقاط اصلی ذکر کردیم؛ مهم‌ترین‌هایش اینها هستند؛ البته غیر از اینها هم چیزهایی هستند. یکی اینکه آنها اصرار دارند بر محدودیت بلندمدت؛ ما گفتیم ما محدودیت ده سال و دوازده سال و مانند اینها را قبول نداریم؛ ده سال یک عمر است؛ همه‌ی آنچه ما در این مدت به دست آوردیم، در حدود ده سال طول کشیده است! بله، سابقه‌ی هسته‌ای در داخل کشور بیش از اینها است که بعضی اوقات هم گفته میشود در بعضی از بیانات، لکن در آن سالهای اوّل در واقع کاری انجام نگرفته بود؛ کار اساسی و عمده مال همین حدود ده پانزده سال اخیر است. محدودیت ده‌ساله را ما قبول نداریم؛ ما مقدار سالهای معیّنی را که مورد قبول ما است به مجموعه‌ی هیئت مذاکره‌کننده گفته‌ایم که چه مقدار، محدودیت را قبول کرده‌ایم، اما تعداد سالهای محدودیت را گفته‌ایم ده سال و دوازده سال و این چیزهایی که این حضرات می‌گویند قبول نداریم.

در همین مدت محدودیت هم که ما قبول می‌کنیم، کار تحقیق و توسعه و ساخت و ساز باید ادامه پیدا کند، که این هم از جمله‌ی خطوط قرمزی است که مسئولین محترم روی آن تکیه کردند؛ گفتند ما حاضر نیستیم از تحقیق و توسعه دست برداریم؛ حق با اینها است. در طول این سالهای محدودیت هم، بایست تحقیق و توسعه ادامه داشته باشد. آنها حرف دیگری می‌زنند؛ آنها می‌گویند شما ده سال دوازده سال یا بیشتر هیچ کاری نکنید، بعد از آن شروع کنید به تولید، شروع کنید به ساخت! که این حرف زور مضاعفی است، حرف غلط مضاعفی است.



از جمله‌ی نقاط مهم این است: بنده تصریح میکنم، تحریمهای اقتصادی و مالی و بانکی، چه آنچه به شورای امنیت ارتباط پیدا میکند، چه آنچه به کنگره‌ی آمریکا ارتباط پیدا میکند، چه آنچه به دولت آمریکا ارتباط پیدا میکند، همه باید فوراً در هنگام امضای موافقت‌نامه لغو بشود؛ بقیه‌ی تحریمها هم در فاصله‌های معقول [لغو بشود]. البته آمریکایی‌ها در زمینه‌ی تحریمها یک فرمول پیچیده‌ی چند لایه‌ی عجیب و غریبی را مطرح میکنند که اصلاً اعماق آن معلوم نیست؛ از انتهای آن چه در می‌آید هیچ معلوم نیست. عرض کردم بنده بیان صریح است، تعبیرات دیپلماسی را بنده خیلی بلد نیستم؛ آنچه ما میگوییم صریح و همین [است] که گفتیم؛ این مورد نظر ما است.

یک نکته‌ی اساسی دیگر اینکه لغو تحریمها منوط به اجرای تعهدات ایران نیست؛ نمیشود بگویند: شما راکتور آب سنگین اراک را خراب نکنید، سانتریفیوژها را به این تعداد کاهش بدهید، این کارها را نکنید، آن کارها را بکنید، بعد که کردید، بعد آن وقت آژانس بیاید شهادت بدهد، گواهی کند که شما راست میگویید و این کارها را انجام داده‌اید، بعد ما تحریمها را برداریم! نه، این را ما مطلقاً قبول نداریم؛ لغو تحریمها منوط به اجرای تعهداتی که ایران میکند نیست. البته لغو تحریم یک مراحل اجرائی‌ای دارد، ما این را قبول داریم؛ اجرائیات لغو تحریم با اجرائیاتی که ایران به عهده میگیرد، باید متناظر باشند؛ بخشی از این در مقابل بخشی از آن، بخش دیگری از این در مقابل بخش دیگری از آن.

یک نکته‌ی اساسی دیگر این است که ما با موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس مخالفیم. ما به آژانس بدبینیم؛ آژانس نشان داده که هم مستقل نیست، هم عادل نیست؛ مستقل نیست زیرا تحت تأثیر قدرتها است؛ عادل نیست [چون] بارها و بارها برخلاف عدالت حکم کرده و نظر داده. به علاوه، اینکه بگویند «آژانس باید بیاید اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته‌ای در کشور نیست» این یک حرف غیر معقولی است. خب، چه جور میشود اطمینان پیدا کند؟ اصلاً اطمینان پیدا کردن [یعنی چه]؟ مگر تک تک خانه‌ها و وجب به وجب سرزمین کشور را اینها بگردند! چه جوری میشود اطمینان پیدا کرد؟ موکول کردن به این مسئله، نه منطقی است، نه عادلانه است.

با بازرسی‌های غیر متعارف هم بنده موافق نیستم؛ پرس و جوی از شخصیت‌ها را هم به هیچ وجه قبول ندارم و موافق نیستم؛ بازرسی از مراکز نظامی را هم نمیپذیریم همچنان که قبلاً هم گفتیم؛ زمانهای ۱۵ سال و ۲۵ سال - که مدام میگویند ۱۵ سال برای فلان چیز، ۲۵ سال برای فلان چیز - و این زمانهای این جوری را هم ما قبول نداریم؛ مشخص است، این زمان اول و آخری دارد و تمام خواهد شد.

اینها موارد عمده و مهمی است که روی آن تکیه داریم؛ البته خطوط قرمز فقط اینها نیست؛ دوستان مذاکره‌کننده در جریان نظرات ما هستند؛ جزئیات را با آنها در میان گذاشته‌ایم؛ [البته] جزئیات مورد نظر و آن چیزهایی که بنده وارد میشوم؛ در خیلی از جزئیات هم ما وارد نمیشویم.

ما دنبال توافقییم. اگر کسی بگوید که در مسئولین جمهوری اسلامی کسی هست که توافق را نمیخواهد، خلاف گفته؛ این را همه بدانند. مسئولین جمهوری اسلامی - بنده، دولت، مجلس، قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های گوناگون امنیتی، نظامی، غیره - همه در این جهت متفقیم و موافقیم که توافق باید انجام بگیرد. در این جهت هم باز همه متفقند که این توافق باید عزتمندانه باشد، مصالح جمهوری اسلامی بدقت و با وسواس باید در آن رعایت بشود؛ در این هم هیچ اختلافی نیست؛ دولت، مجلس، بنده، دیگران و دیگران همه در این جهت متفقیم، نظرها یکی است. توافق بایستی توافقی باشد منصفانه و منافع جمهوری اسلامی را بایستی تأمین بکند.



این را هم عرض بکنیم ما دنبال از بین بردن و برداشتن تحریمها هستیم؛ هدف ما از این مذاکرات لغو تحریمها است؛ جدا دنبال این هستیم که این تحریمها لغو بشود؛ اما درعین حال خود این تحریمها را ما فرصت میدانیم. این جور نباشد که بعضیها تعجب کنند که چطور تحریم فرصت است؛ چطور تحریم - چیز به این بدی - فرصت است؟ این تحریم موجب شد ما به خودمان برگردیم؛ این تحریم موجب شد ما به نیروی داخلی خودمان بیندیشیم، دنبال ظرفیتهای داخلی باشیم؛ اینکه همه چیز را از بیرون وارد کنیم با پول نفت، برای یک کشوری مثل کشور ما بدترین بلیه و بزرگترین مشکل است که متأسفانه از قبل از انقلاب این مشکل گریبانگیر کشور ما شده و هنوز هم تا حدود زیادی ادامه دارد که بایستی این را قطع کنیم. ما در علم، در فناوری، در کارهای گوناگون دنبال ظرفیتهای داخلی آمديم، ان شاء الله در مورد اقتصاد هم همین جور [بشود]. این عرایض ما در مورد هسته ای است. البته در مورد مسائل منطقه هم عرایضی اینجا یادداشت کردیم که بگوییم لکن به ساعت که من نگاه میکنم میبینم مثل اینکه اذان شده؛ بیش از این دیگر مزاحم شما نمیشویم.

پروردگارا! به محمد و آل محمد آنچه گفتیم و شنیدیم برای خودت و در راه خودت و در خدمت بندگانت قرار بده؛ نیتهای ما را خالص بفرما. پروردگارا! توفیقات خودت را بر مسئولان، فعالان، در دولت، در مجلس، در قوه قضائیه، در نیروهای مسلح - که مشغول تلاش و کار هستند - نازل کن؛ دستگیری و هدایت خودت را شامل حال آنها بفرما. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

- ۱) قبل از شروع بیانات معظم له، حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس جمهور) مطالبی بیان کرد.
- ۲) سوره ی سبأ، بخشی از آیه ی ۳
- ۳) مصباح المتهدج، ج ۲، ص ۵۹۳
- ۴) سوره ی واقعه، آیه ی ۸۵؛ «و ما به آن [محتضر] از شما نزدیکتریم ولی نمی بینید»
- ۵) سوره ی عبس، آیات ۳۷ تا ۴۱
- ۶) سوره ی طلاق، بخشی از آیه های ۲ و ۳؛ ... «[خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار میدهد. و از جایی که حسابش را نمیکند، به او روزی میرساند»
- ۷) از جمله، بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس (۱۳۹۴/۱/۱)
- ۸) بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۹۳/۴/۱۶)
- ۹) بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس (۱۳۹۴/۱/۱)
- ۱۰) بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز نیروی هوایی (۱۳۹۳/۱۱/۱۹)
- ۱۱) خنده ی حضار